

تباہکاری های سازمان ملل در  
افغانستان  
نوشته شده توسط شیوای شرق

مردم مخالف آشتی و صلح نیستند اما نگرانی ما این است که نشود برآیند ترفند های حامد کرزی سبب گردد تا جلاد تاریخ دوباره فرصت کوبیدن و شلاق زدن را بر پیکر بلورین و انسانی آزادی پیدا کند و باز افکار مرده ی برتر خواهی تباری رشد کند.

مردم مخالف آشتی و صلح نیستند اما نگرانی ما این است که نشود برآیند ترفند های حامد کرزی سبب گردد تا جلاد تاریخ دوباره فرصت کوبیدن و شلاق زدن را بر پیکر بلورین و انسانی آزادی پیدا کند و باز افکار مرده ی برتر خواهی تباری رشد کند.

افغانستان سرزمین پیچیدگی ها و شگفتی های سیاسی است که هر نهاد جهانی و قانونی را اوضاع درهم برهم آن بی خاصیت سو سیاه ساخته است. حتا تجربه نشان داده که هر نهاد بیرونی درین کشور کارایی اش را از دست داده است.

چنانچه ما، در افت و خیزها دوران تاریخ معاصر کشور، شاهد برهم خوردن بسیاری از نهادهای جهانی بوده ایم و این واقعیت نشان می دهد که راهبردها و شیوه ی کارکرد نهاد های بیرونی درکشور از چگونه اعتماد برخورداراند و این نهاد ها درپی چه راهکار های ملی و جهانی هستند.

به هر حال سازمان ملل متحد یکی از همان نهادهای بیرونی و جهانی است که در روند سیاسی کشور درگیر می باشد و همیشه طرف معامله ی اوضاع سیاسی بوده است.

همانگونه ایکه از فلسفه ی وجودی این نهاد فراملی و جهانی پیدا است در زمینه های متفاوت در سطح جهان کار می کند. از صلح خواهی تا دولت سازی های مدنی

تا آوردن معاهدات و رویکرد های آشتی پذیر در میان ملت های متفاوت و نظم جهان همه مسوولیت سازمان ملل متحد در جهان می باشد. این سازمان در بخش ها گوناگون با نهاد های شبکه یی در ساختار مدیریتی خود کار می کند و بسیاری از کشورهای جهان در آن عضویت دارند.

با توجه با پیشینه ی همکاریهای سازمان ملل درکشور و برخورد های چند پهلویی این نهاد می توان گفت سازمان ملل درجهان درهرکشوری کارکرد های همانند ندارند یعنی با هرکشور متفاوت برخورد کرده است. یکی از آن کشورهای شوم بخت، افغانستان می باشد. افغانستان در دوران جنگ سرد تا حال همیشه درعینکها و نظرها های سازمان ملل قرار داشته و مورد گفتگوبوده است. اما تاکنون سازمان ملل و نهاد های جهانی نتوانسته اند به مشکل این کشور پایان دهند. همانگونه ایکه از راهبردهای کاری این سازمان پیداست این سازمان باید نگاه عادلانه ی خود را بالای روند سیاسی هر ملت و جامعه ی داشته باشد و براتوریته و خواست های عمومی هر جامعه احترام بگذارد.

در اصل سازمان ملل متحد که به عنوان همکار مدنی و ناظر تعهدات جهانی درکنارملت های جهانی قرار دارد و باید بر مبنای منافع ملی هرملت همکار باشد نه به گونه ی غیرمشروع و نا مردمی آن. در مکان های دیگر سازمان ملل متحد توانسته کارکرد مثبت و خوب داشته باشد حتا همکاریهای سازمان ملل متحد سبب شده که دولت داری مدرن و نهادسازی های سیاسی شکل بگیرد و صلح پایدار به میان آید. اما با در جاهای دیگر برخورد و رویکرد سازمان ملل متفاوت از برنامه ی عملی و خطوط کاری اش بوده است. درکشور ما نقش سازمان ملل پس از رونما شدن مبارزه با تروریسم بیشتر تقویت یافت چنانچه پس از برگزاری نشست بن و تحولات پسین، سازمان ملل متحد به همکاری های جدی پرداخت و عنوان کرد که باید در افغانستان نهاد سازی کند و مردم افغانستان خود آینده ی خود را تعیین کنند.

اما این امید بنا بر نبود تعریف همکاریهای درست وساحت تعریف شده همکاری های سازمان ملل مورد تردید و دست برد قرار گرفت. به ویژه هنگامیکه ما نقش یوناما در افغانستان را بررسی می کنیم می بینیم که این نهاد به گونه ی طرف دارانه عمل کرده و از گروه ویژه ی درافغانستان جانبدارانه حمایت کرده است. سیاسی برخورد کردن و جانبدارانه موضع گرفتن سازمان ملل متحد را می توان در انتخابات ریاست جمهوری به بررسی گرفت. ماموریت آقای کایده ی به عنوان فرستاده ی ویژه ی سازمان ملل در مورد تقلب ونادیده گرفتن انتقادات و دیدگاه های معاونش آقای گالبرایت همه می رساند که سازمان ملل درافغانستان دارد جانب غیر دموکراتیک را اتخاذ می کند و در پی اهداف و برنامه های غیر ملی خود است. رسانه یی شدن کارکرد دو نفرکارمند این سازمان درهلمند و افشاشدن همکاری های آنها با طالب ها، همه گواه درست بر تردیدها ما بر سازمان ملل می باشد.

به هرحال اینک سازمان ملل در پیوند به همه بی اعتمادی ها و تردید های گذشته برنامه ی آشتی خواهی، حکومت افغانستان را می خواهد بررسی کند و پیشنهاد حذف فهرست متهمین نقض حقوق بشر را می خواهد قبول کند؛ اگر چنین شود بدون تردید خواست ها و برنامه ی را که سازمان ملل در فلسفه ی وجودی خود عنوان کرده و سالیان زیاد بدان پرداخته همه زیرسوال قرار می گیرد. درچند روزگذشته نمایندگان سازمان ملل وارد افغانستان شده اند تا فهرست سیاه را بررسی کنند و برخی افراد دست اول طالب ها را از آن فهرست حذف کنند این کار از یک طرف سبب بی اعتمادی میان مردم می گردد از طرف دیگر باعث می شود که راهبرد های اساسی سازمان ملل که عدالت انتقالی و مبارزه علیه ی فراموشی است بی معنا جلوه کند.

تجربه نشان می دهد که مسولین سازمان ملل با پدیده ی عدالت که امر عمومی و ملی است ذوقی و روزمره برخورد می کنند و می خواهند خود به جای مردم افغانستان و بدون همه پرسشی از آنها در جایگاه بخشایش قرار داشته باشند و خون بهای ما را

به میل خود بخشش کنند. سازمان ملل در آستانه ی بررسی فهرست آنانی است که دشمن آزادی و جان و مال ما بودند، فهرست آنانی که خود مایه ی پستی های زمین شده اند و چهره روزگار از سیاه کاریهای شان خیره شده است قرار است چنین افراد را سازمان ملل و آقای کرزی مورد بخشایش قرار دهند. بنابراین این روزها سازمان ملل را قرار است درد اتهام فرا گیرد و عدالت را زیر پا کند. مگر درجهان معاصر می شود با قصاب آزادی و انسانیت از بخشش کار گرفت و او را به مسند قدرت رساند؟ مگر می شود آنانی را که به روی کودکان معصوم این خاک تیزاب پاش می دهند و متحجرانه می اندیشند مورد برخورد های مدرن قرار داد؟ این ها حرف های استخوان سوز

هستند که درلایه های تاریخ ما قرار دارند و هرروز با جنایت تازه جلاد تاریخ تازه می گردند پس نباید سازمان ملل و ارباب استبداد افغانستان این حقایق را نادیده بگیرند. زیرا فهرست سیاه آنانی هستند که خون انسان را ریخته اند و آرامش جامعه ی انسانی را برهم زده اند. مگر جهان بزرگ و مجهز با همه توانایی ها را چه شده است که دربرابر چند تا جلاد خون آشام تاریخ انعطاف نشان می دهد و از مدارا کار می گیرد وحتا به گونه ی برای آنها رشوه سیاسی می دهد. شهروندان افغانستانی باید بدانند که عدالت مفهوم متعالی است که در میزان خرد وداوری جهان مورد بحث و ارزش قرار می گیرد نه نگاه سازمان ملل و حامد کرزی. صاحبان سیاست زمین ها سوخته و قبيله اندیشی را نمی شود با پیش آمد های بی رویه و ساختگی مورد بخشش و گذشت قرار داد هنگامیکه حامد کرزی

پیشنهاد حذف فهرست جلادان تاریخ را از فهرست سیاه می کند آی شهادت باغ ها و سرنوشت مردم ما را درشمالی و هزارجای دیگر این خاک به یاد دارد که ما چه دردها و دشواری ها را زیسته ایم وبه مثابه ی ستم و تراژیدی های بزرگ جهان زندگی کردیم. اگر ترفندها طالبانی کردن قدرت سیاسی حامد کرزی عملی شود مفهوم ارجمند و انسانی عدالت

چه خواهد شد. پیشنهاد بنده برای نمایندگان سازمان ملل این است که در آوردن صلح و آشتی معیارهای مردمی و ملی را نادیده نگیرند و با همه پرسشی تمام به پیش روند. زیرا ما مطمئن هستیم که مادران داغ دیده ی این خاک هرگز طالبان متروک شده ی قرن را نمی بخشند. مردم مخالف آشتی و صلح نیستند اما نگرانی ما این است که نشود براین ترفند های حامد کرزی سبب گردد تا جلاد تاریخ دوباره فرصت کوبیدن و شلاق زدن را بر پیکر بلورین و انسانی آزادی پیدا کند و باز افکار مرده ی برتر خواهی تباری رشد کند. چون صلح و روند آشتی دهی که عادلانه نباشد نه تنها از درد ها نمی کاهد بل جامعه و گروه های اجتماعی را به دوزخ تنش ها و دشمنی ها می اندازد.

سازمان ملل باید سرچشمه های تمویل و مبارزه ی پوشالی جامعه ی جهانی را در برابر نیروهای دهشت و ویرانگری مورد بازنگری قرار دهد. و برای سیاست های نظامی امریکا چارچوب های مدرن تدوین کند تا نگرانی قدرت ها منطقه و مردم ما برطرف شود و درمبارزه با تروریسم و دهشت صادقانه همکاری کنند. حذف جلادان تاریخ از فهرست سیاه راه حل نیست بر سازمان ملل است که تفکر فزون خواهانه و تبارگرا را از کاخ ریاست جمهوری تا صفوف طالب ها اصلاح سازد و روند سیاسی را به شناسایی بگیرد.